

مکانیسم های کنوانسیون مریدا در مبارزه با فساد: اثربخشی

ابوذر بلاغی (نویسنده مسئول)

دانشجوی دکترای حقوق بین الملل عمومی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران.

a.balaghi.shz@gmail.com

سید قاسم زمانی

استاد، گروه حقوق عمومی و بین الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

zamani@atu.ac.ir

چکیده

کنوانسیون مریدا، نخستین معاهده جامع و عام جهانی ضد فساد محسوب می شود که با چهار مکانیسم تعبیه شده - اقدامات پیشگیرانه، جرم‌انگاری، همکاری بین‌المللی و بازگرداندن دارایی‌ها- باعث می شود تا مبارزه با فساد در قوانین داخلی کشورها به اجرا دربیاید. اگرچه این کنوانسیون از جهات بسیاری نوآورانه است، اما از ضعف‌هایی نظیر استفاده از واژگان غیر الزام آور در برخی موارد، دوگانگی جرم، فقدان نظام نظارتی قوی، و نفوق دیدگاه سیاسی در فرایند استرداد مجرمان و دارایی‌ها رنج می‌برد، که نمی‌توان از آن‌ها چشم‌پوشی کرد و همین امر مانع از تأثیر واقعی آن بر رفتار دولت‌ها می‌شود. البته برخی از این موارد را باید ناشی از عدم سخت‌گیری آگاهانه کنوانسیون جهت تطابق و قابلیت اجرایی یافتن در قوانین کشورهای عضو دانست، بدین معنی که غایت این کنوانسیون، «اثربخشی» به معنی رویکرد میان رشته ای و امکان استفاده از تمامی ابزارهای موجود در راستای کاهش فساد در نظام داخلی کشورهای عضو می باشد. با مروری بر مکانیسم های اصلی کنوانسیون و بررسی مفهوم اثربخشی؛ تحلیل میزان اثربخشی در کشورهای عضو نشان می دهد که در زمان اجرای این مکانیسم ها، فساد در تمامی جنبه های آن رو به کاهش داشته است، که نشان از موفقیت نسبی آن دارد.

کلمات کلیدی: کنوانسیون مریدا، فساد، مکانیسم های ضد فساد، اثربخشی، میان رشته ای.

The Mechanisms of the Merida Convention in Combating Corruption: Effectiveness

Abstract

The Merida Convention, recognized as the first comprehensive and universal global anti-corruption treaty, incorporates four mechanisms—preventive measures, criminalization, international cooperation, and asset recovery—to facilitate the implementation of anti-corruption efforts in the domestic laws of member states. While the Convention is innovative in many respects, it suffers from weaknesses such as the use of non-binding language in certain provisions, dual criminality requirements, the lack of a robust oversight system, and the predominance of political considerations in the extradition of offenders and asset recovery processes. These shortcomings cannot be overlooked and hinder its real impact on state behavior. However, some of these issues stem from the Convention’s deliberate flexibility to ensure compatibility and enforceability within the legal frameworks of member states. This implies that the ultimate goal of the Convention is “effectiveness,” defined as an interdisciplinary approach and the utilization of all available tools to reduce corruption within the domestic systems of member states. A review of the Convention’s main mechanisms and an analysis of the concept of effectiveness demonstrate that, during the implementation of these mechanisms, corruption has decreased across its various dimensions, indicating relative success.

Keywords: Merida Convention, corruption, anti-corruption mechanisms, effectiveness, interdisciplinary.

مقدمه

فساد، به عنوان یکی از جدی‌ترین موانع توسعه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در سطح جهانی شناخته می‌شود؛ که تأثیری منفی بر حقوق بشر، دسترسی به خدمات عمومی، عدالت اجتماعی و کیفیت زندگی شهروندان می‌گذارد و باعث سوءاستفاده از منابع دولتی، کاهش سرمایه‌گذاری خارجی و ناپایداری سیاسی می‌شود. مردم عادی ناگزیر به تحمل هزینه‌های فساد بوده و در تمامی کشورها این مساله بر زندگی افراد سایه می‌افکند؛ رشوه‌خواری، نوعی مالیات غیر مستقیم بر زندگی افراد کم بضاعت محسوب می‌شود.^۱ مهم‌تر از همه، فساد بیشترین تأثیر را بر آسیب‌پذیرترین بخش جمعیت یک کشور، یعنی فقرا، دارد. از اواسط دهه ۱۹۹۰، فساد به عنوان یکی از مهمترین مشکلات اقتصادی و سیاسی کشورها در سرتاسر جهان بدل گردیده که این مشکل، مشمول تعدادی از کشورهای توسعه یافته غربی نیز بوده است.^۲

با جهانی شدن اقتصاد، عوامل و نتایج حاصل از پدیده فساد دگرگون شده و مبارزه با آن، با پیچیدگی و گستردگی فزاینده‌ای مواجه گردیده است. جهانی شدن پدیده فساد، کشورها را به جدیت و لزوم مبارزه با آن، در سطحی فراملی رهنمون ساخته است. در قرن معاصر سیاست‌های توسعه‌ای دولتها و سرعت تعاملات بین‌المللی، موجب شده تا فساد نیز در روابط میان کشورها تأثیرگذار گردد و دولتها را با بحرانهای جدیدی مواجه سازد. رسوخ پدیده فساد به داخل کشورها، منشاء بیرونی پیدا کرده و عوامل جدیدی بیرون از مرزها، کشورها را از درون با چالش مواجه ساخته است، به همین علت لازم است که سازوکارهای جدیدی برای مقابله با فساد در پیش گرفته شود. بنابراین در شرایط کنونی که مبارزه با فساد در سطح ملی کارآیی کافی را ندارد، بررسی ساز و کارهای جهانی مبارزه با فساد میتواند الگوی مناسبی در این عرصه باشد و شناسایی مهمترین ساز و کارهای بین‌المللی موجود و نحوه عمل آنها ضروری مینماید.^۳ در این میان نقش گسترده‌ی سازمان ملل متحد در امور بین‌المللی، علاوه بر حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، مسائلی از قبیل توسعه پایدار، حقوق بشر، ترویج کارآمدی و عدالت بین‌المللی را نیز شامل می‌شود؛ از دیدگاه حقوق بین‌الملل، مبارزه با فساد در کشورهای عضو در راستای ترویج عدالت بین‌المللی می‌باشد. دستیابی به صلح، کرامت و برابری، هدف سازمان ملل متحد است. با این حال، فساد ارزش‌ها و اصول اساسی سازمان ملل و تمام آنچه را که این نهاد در پی تحقق آن است، تضعیف می‌کند.^۴

در پاسخ به گسترش فساد به‌ویژه در بستر جهانی شدن اقتصاد، جامعه بین‌المللی تلاش کرده است تا با وضع قواعد الزام‌آور، چارچوبی حقوقی برای پیشگیری، کشف، و مجازات رفتارهای فاسد ایجاد نماید. یکی از مهم‌ترین دستاوردهای سازمان ملل متحد، «کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با فساد»^۵ کنوانسیونی که با تصویب قریب به اتفاق کشورها، به نخستین سند جامع و جهانی در زمینه مبارزه با فساد تبدیل شده است.^۶ کنوانسیون مریدا با پیشنهاد ایجاد «سازوکار یا نهادی مناسب برای کمک به اجرای مؤثر کنوانسیون» نشان داد که

^۱سپه سرا، حسین، «بررسی کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه فساد در چارچوب نظام بین‌الملل حقوق بشر»، دانش ارزیابی، سال ششم، ۲۱ (پاییز ۱۳۹۳)، ۱۲۴.

^۲ براتی، امیرنظام و محمدحسین زارعی، غلامحسین مسعود، «بررسی تطبیقی نقش جامعه مدنی تخصصی در مبارزه با فساد در کشورهای ایران و کره جنوبی»، فصلنامه حقوق اداری، سال هفتم، ۲۳ (تابستان ۱۳۹۹)، ۵۸.

^۳ رضوی فرد، بهزاد و حمیدرضا حسن پور، «ساز و کارهای بین‌المللی مبارزه با فساد، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران»، سال یازدهم، ۴ (پاییز ۱۳۹۸)، ۶۲.

^۴ Corruption and Economic Crime Branch 2023, ANNUAL REPORT A Year of Commitment, Action and Impact, UNODC United Nations Office on Drugs and Crime, p 27.

https://track.unodc.org/uploads/documents/corruption/CEB-Annual-Report/2023/2023_CEB_Annual_Report.pdf

^۵ United Nations Convention against Corruption (UNCAC).

^۶ دولت‌ها از طریق مجمع عمومی سازمان ملل متحد به دفتر مواد مخدر و جرم سازمان ملل (UNODC) مأموریت دادند تا کمیته‌ای ویژه برای تهیه متن یک کنوانسیون جامع سازمان ملل علیه فساد (UNCAC) تشکیل دهد. این کنوانسیون در سال ۲۰۰۳ نهایی و تصویب شد و در ۱۴ دسامبر ۲۰۰۵ لازم‌الاجرا گردید. هم‌اکنون در سال ۲۰۲۴ دارای ۱۹۱ عضو می‌باشد.

هدف آن اجرای موثر می باشد، این بند در سومین کنفرانس کشورهای عضو که در سال ۲۰۰۹ در دوحه برگزار شد، با ایجاد «گروه بررسی اجرای کنوانسیون (IRG)» اجرایی شد،^۷ و نشان داد که اثربخشی مکانیسم های کنوانسیون هدف غایی آن در کشورهای عضو می باشد. علی‌رغم بکارگیری مکانیسم های بین‌المللی، فساد همچنان به عنوان یک مسئله عمده در بسیاری از کشورهای عضو سازمان ملل باقی مانده است. این ناکامی ممکن است ناشی از موانعی چون فقدان منابع کافی، تفاوت‌های فرهنگی و سیاسی بین کشورها، و نفوذ سیاسی و فساد سیستمی در دولت‌ها باشد که بر کارآمدی مکانیسم‌های موجود تأثیر می‌گذارد. این عوامل به طور معناداری کارآمدی این مکانیسم‌ها را در دستیابی به اهداف خود محدود کرده‌اند.

مقاله حاضر با رویکرد تحلیلی و تطبیقی، به بررسی اجمالی سازوکارهای مختلف مندرج در کنوانسیون مریدا (از جمله پیشگیری، جرم‌انگاری، همکاری بین‌المللی و بازبایی دارایی‌ها) پرداخته و اثربخشی این سازوکارها را در چارچوب حقوق بین‌الملل در کشورها بررسی می‌کند.

۱- سازوکارهای کنوانسیون مریدا در مبارزه با فساد

این کنوانسیون اکنون مهم‌ترین ابزار مبارزه با فساد با دامنه کاربرد جهانی است که در چارچوب حقوق بین‌الملل، بر اصل حاکمیت قانون (Rule of Law)، اصل همکاری بین‌المللی، و اصل احترام به حاکمیت کشورها استوار است، و کشورهای عضو را ملزم می‌کند تا تعهدات و استانداردهای مشترکی را بپذیرند تا در سیستم‌های حقوقی داخلی خود پیاده‌سازی یا گنجانده شوند.^۸ شکی نیست که هماهنگ‌سازی مکانیزم‌های ملی با مکانیزم‌های بین‌المللی، به‌ویژه نهادهایی که در زمینه مبارزه با فساد فعالیت می‌کنند، یکی از ابزارها و اقدامات ضروری برای جلوگیری از فساد و ممانعت از گسترش آن در داخل کشور است.^۹

کنوانسیون مریدا گسترده‌ترین سند در زمینه مبارزه با فساد است که سه جنبه اصلی مقابله با فساد را پوشش می‌دهد. در این کنوانسیون یک چارچوب جامع و چندبُعدی جهت مبارزه با فساد پیش بینی شده است، که کشورهای عضو موظف‌اند اقداماتی در زمینه پیشگیری (مانند شفافیت و پاسخگویی)، پیگیری و جرم‌انگاری (مانند رشوه‌خواری و اختلاس)، همکاری بین‌المللی (مانند استرداد مجرمان) و بازگرداندن دارایی‌های ناشی از فساد انجام دهند.^{۱۰} هر یک از چهار حوزه اصلی تعبیه شده در کنوانسیون - اقدامات پیشگیرانه، جرم‌انگاری، همکاری بین‌المللی و بازگرداندن دارایی‌ها- در فصل‌های جداگانه‌ای تقسیم‌بندی شده‌اند که این مسائل ستون‌های بنیادی کنوانسیون مریدا را تشکیل می‌دهند.

پیشگیری:^{۱۱}

یک فصل کامل از کنوانسیون مریدا به اقدامات پیشگیرانه اختصاص دارد. مفاد این فصل به پیشگیری از فساد در دستگاه قضایی و فرآیندهای تأمین عمومی (مناقصات و مزایده دولتی) مربوط می‌شود، همچنین خواستار ایجاد نهادهای ضد فساد است. کنوانسیون از کشورهای عضو می‌خواهد که به‌طور فعالانه مشارکت سازمان‌های غیردولتی^{۱۲} و دیگر عناصر جامعه مدنی را در مبارزه با فساد ترویج

⁷ Lohaus, Mathis, *Towards a Global Consensus Against Corruption: International Agreements as Products of Diffusion and Signals of Commitment*, (London and New York, Routledge, 2019), p 48

⁸ Babu, Rajesh Ravindran. "The United Nations convention against corruption: A critical overview". *SSRN Electronic Journal [Preprint]*, (2006). 1-32, p 1. <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.891898>

⁹ Jabr, Naseer Jassim. (2025). "The Extent of Compatibility Between National Mechanisms and International Mechanisms to Combat Corruption", *Indonesian Journal of Law and Justice* Volume: 2, Number 3, 2025, Page: 1-17, p 6. DOI: <https://doi.org/10.47134/ijlj.v2i3.3780>

¹⁰ Webb, Philipp. (2005). "The United Nations convention against corruption global achievement or missed opportunity?", *Journal of International Economic Law* 8(1), 205. doi:10.1093/jielaw/jgi009

¹¹ Preventive Measures

¹² NGO

دهند. با این حال، زبان این فصل الزام آور نیست.^{۱۳} با اینکه می‌توان فساد را پس از وقوع نیز تحت پیگرد قانونی قرار داد، اما اهمیت تدابیر پیشگیری از آن روی است که در صورت اجرای این تدابیر، هزینه‌های بروز فساد کاهش می‌یابد؛ بنابراین با همین دیدگاه اولین مکانیسم پیش بینی شده در کنوانسیون، «پیشگیری» تعبیه شده است.^{۱۴}

پیشگیری در کنوانسیون در مفهوم مضیق خود یعنی شیوه‌های غیر قهرآمیز بکار رفته است و به تدابیری که پیش از ارتکاب جرم قابل اعمال باشد اطلاق می‌گردد. به نظر می‌رسد که فلسفه تعهد دولتها به پیشگیری این باشد که تدابیر پیشگیرانه از رشد و گسترش زمینه‌های فساد اقتصادی جلوگیری می‌کند و دولتها باید با طراحی و اجرای سیاستها یا اقداماتی سعی کنند که چنین افعالی که منجر به فساد اقتصادی میشود در سرزمین آنها انجام نگیرد. تا سرزمین دولتهای متعهد و یا ساختار اداری یا پولی آنها تسهیل کننده فساد در سایر کشورها نشود.^{۱۵} در واقع این نوع تعهدات از نوع تعهد به نتیجه است.

سیاست‌های پیشگیرانه‌ای که در کنوانسیون مورد اشاره قرار گرفته‌اند، شامل تدابیری برای هر دو بخش عمومی و خصوصی هستند. این تدابیر که بالغ بر چهارده مورد می‌باشد، شامل مواردی مانند سیاست گذاری برای پیشگیری از فساد در حوزه حاکمیتی خود، همکاری بین المللی برای پیشگیری از فساد، نهاد سازی و ظرفیت سازی، ایجاد نظام مربوط به گزینش و آموزش افراد برای احراز مناصب مقامهای دولتی، تدارکات (مناقصات) شفاف و مدیریت مالی صحیح، خدمات کشوری مبتنی بر شایستگی همراه با رژیم‌های شفاف در زمینه تعارض منافع، دسترسی مؤثر به اطلاعات عمومی، استانداردهای حساسی و سایر معیارها برای شرکتهای خصوصی، قوه قضائیه مستقل، تدابیری برای پیشگیری از پول شویی، مشارکت فعال جامعه مدنی در تلاش‌ها برای پیشگیری و مبارزه با فساد می‌باشد.^{۱۶} به عنوان نمونه با نهاد سازی، نظارت و کنترل بر روندهای اقتصادی صورت می‌گیرد و از بروز مفاسد اقتصادی پیشگیری می‌شود یا جامعه مدنی می‌تواند با تجزیه و تحلیل فساد، ارتقای اطلاعات و آگاهی جامعه، هموار نمودن همکاری‌های بین المللی در مقابله با فساد، تاسیس نهادهای مدنی تخصصی، در مبارزه با فساد اثرگذار باشد و به دولت کمک نماید.^{۱۷} همچنین سیستم‌های مؤثر پایش و گزارش دهی، عناصر حیاتی در مبارزه با فساد هستند. این سیستم‌ها در شناسایی، پیشگیری و بازدارندگی از رفتارهای فاسد نقش دارند. سیستم‌های مؤثر با ویژگی‌هایی چون شفافیت، پاسخگویی، و توانایی ارائه اطلاعات دقیق و به موقع شناخته می‌شوند.^{۱۸}

جرم‌انگاری:^{۱۹}

کشورهای عضو ملزم هستند که تدابیر تقنینی و سایر اقدامات لازم را برای جرم‌انگاری اتخاذ کنند. این موارد را می‌توان به دو دسته تقسیم نمود، مواردی که کشورها ملزم به جرم‌انگاری آنها می‌باشند، و اعمالی که کشورها ملزم به جرم‌انگاری آنها نبوده بلکه توصیه به جرم‌انگاری شده‌اند. جرائمی که کشورهای عضو ملزم به جرم‌انگاری آنها هستند عبارتند از رشوه دادن (یعنی اعطای مزایای ناموجه به مقام عمومی ملی، بین‌المللی یا خارجی) و رشوه گرفتن توسط مقام عمومی ملی، اختلاس از وجوه عمومی، مانع‌تراشی در مسیر عدالت (مانند تهدید یا تطمیع شهود)، پنهان‌سازی، تبدیل یا انتقال عواید ناشی از جرم. همچنین اعمالی که کشورها به جرم‌انگاری

¹³ Webb, Philipp. (2005). op. cit., 206.

¹⁴ UN guide for Anti-corruption polices. (2003). United Nations Office on Drugs and Crime, 6.

¹⁵ مرجانی، مهدی، و سید باقر میرعباس، «پیشگیری غیرکیفری از جرایم اقتصادی در کنوانسیون مریدا»، فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، ۴۴(تابستان ۱۳۹۹)، ۴۰-۴۴.

¹⁶ Hechler, Hannes. (2010). "UNCAC in a nutshell, A quick guide to the United Nations Convention against Corruption for embassy and donor agency staff", U4 Anti-Corruption Resource Centre, U4 Brief September, 1.

¹⁷ براتی، امیرنظام و محمدحسین زارعی، غلامحسین مسعود، پیشین، ۶۵.

¹⁸ Oualid, Derradji, and Kaabi Rabah, "CORRUPTION AND ECONOMIC GROWTH IN NORTH AFRICA AND THE MIDDLE EAST: A CROSS-COUNTRY ANALYSIS", International Journal of Professional Business Review, Vol. 9 No. 7 (2024): 6. DOI: <https://doi.org/10.26668/businessreview/2024.v9i7.4829>

¹⁹ Criminalization and Law Enforcement

آن‌ها توصیه شده، اما الزامی نیستند، شامل دریافت رشوه توسط مقامات عمومی خارجی یا بین‌المللی، سوءاستفاده از موقعیت شغلی یا قدرت برای دستیابی به منافع شخصی^{۲۰}، غنای نامشروع، رشوه و اختلاس در بخش خصوصی، پول شویی، و پنهان‌سازی دارایی‌های نامشروع می‌باشد.^{۲۱}

اکثر مفاد این بخش الزام‌آور هستند، اما در برخی موارد اشاره شده است که اقدامات باید «مطابق با اصول بنیادین حقوق داخلی کشورها» یا «تا حد امکان در چارچوب نظام حقوقی داخلی آن‌ها» انجام گیرد. این عبارات مشروط می‌توانند راه‌گیزی بالقوه برای قانون‌گذارانی باشند که تمایلی به اجرای کامل این الزامات ندارند.^{۲۲} با این حال این کنوانسیون فراتر از ابزارهای پیشین در این زمینه عمل می‌کند؛ زیرا نه تنها اشکال پایه‌ای فساد مانند رشوه‌خواری و اختلاس از منابع عمومی را جرم‌انگاری می‌کند، بلکه به مواردی مانند «معامله بر سر نفوذ»، «پنهان‌سازی و پول‌شویی عواید حاصل از فساد» نیز می‌پردازد. همچنین، اعمالی که در حمایت از فساد انجام می‌شوند، از جمله پول‌شویی و مانع‌تراشی در مسیر اجرای عدالت، نیز تحت پوشش این کنوانسیون قرار دارند. مفاد کیفری کنوانسیون همچنین به حوزه‌های مشکل‌ساز فساد در بخش خصوصی می‌پردازند.^{۲۳}

دلیل بر اینکه کنوانسیون تمام موارد را الزام‌آور قلمداد نکرده است می‌تواند عدم وجود توافق جهانی در مورد تمام اشکال مختلف رفتارهایی که ممکن است به عنوان «فساد» تلقی شوند و گستردگی دامنه‌ی رفتارهای مورد بحث باشد و لذا امکان پذیرش یک جرم کیفری واحد برای فساد را نمی‌دهد. با این حال، به طور گسترده در سطح بین‌المللی و در سیستم‌های عدالت کیفری اکثر کشورها اجماع وجود دارد که بسیاری از اشکال خاص رفتار، فساد محسوب می‌شوند و باید به عنوان جرایم کیفری در نظر گرفته شوند. نمونه‌های رایج این موارد شامل رشوه‌خواری فعال و غیرفعال، برخی اشکال کلاهبرداری، اخاذی و اختلاس است.^{۲۴}

همکاری بین‌المللی:^{۲۵}

ضرورت همکاری بین‌المللی، بدیهی می‌باشد زیرا تجارت بین‌المللی دیگر محدود به یک محیط ملی خاص نیست. شاید در گذشته انجام فساد توسط فردی، تأثیری در هیچ کشوری نداشت ولی در حال حاضر تحت تأثیر جهانی بودن تجارت، چنانچه فساد در کشوری رخ دهد، در کشور دیگر تأثیر آن دیده می‌شود، بنابراین مبارزه با فساد مستلزم همکاری بین‌المللی بوده و یک کشور به تنهایی قدرت مبارزه ندارد.^{۲۶}

همکاری عنوانی عام است زیرا کشورها می‌توانند در تمامی جنبه‌های مبارزه با فساد، از جمله پیشگیری، تحقیق و پیگرد مجرمان، با یکدیگر همکاری کنند. بر اساس کنوانسیون، کشورها موظف‌اند اشکال مشخصی از مساعدت‌های حقوقی متقابل را در گردآوری و انتقال مدارک جهت استفاده در دادگاه ارائه دهند و همچنین مرتکبان را مسترد نمایند. کشورها همچنین موظف‌اند اقداماتی را اتخاذ کنند که از ردیابی، مسدودسازی، توقیف و مصادره عواید حاصل از فساد پشتیبانی کند.

کشورهای عضو توافق می‌کنند که در فعالیتهای پیشگیری، تحقیق و تعقیب کیفری مرتکبان فساد با یکدیگر همکاری کنند. این کنوانسیون طرف‌ها را موظف می‌سازد که اشکال مشخصی از معاضدت حقوقی متقابل را برای جمع‌آوری و انتقال ادله جهت استفاده

²⁰ trading in influence

²¹ Hechler, Hannes. (2010). op. cit., 2.

²² Webb, Philipp. (2005). op. cit., 206.

²³ UN guide for Anti-corruption polices. (2003). op. cit., 7.

²⁴ UN guide for Anti-corruption polices, (2003). op. cit., 80-81

²⁵ International Cooperation

²⁶ نظری نژاد، محمدرضا، و خشایار اسفندیاری فر، «بررسی تطبیقی کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با فساد مالی و قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد»، پژوهشنامه حقوق کیفری، سال هفتم، ۱۳ (بهار و تابستان ۱۳۹۵)، ۲۰۱.

در دادگاه فراهم کنند و همچنین مرتکبان را مسترد نمایند. علاوه بر این، کشورها باید تدابیری برای ردیابی، مسدودسازی، توقیف و مصادره عواید حاصل از فساد اتخاذ کنند.^{۲۷}

شرط دوگانگی جرم‌انگاری (dual criminality) - که به موجب آن، جرمی که برای آن کمک حقوقی درخواست می‌شود باید در هر دو کشور درخواست‌کننده و مورد درخواست، جرم تلقی شود - که به‌طور سنتی مانعی برای همکاری بین‌المللی بوده، در این کنوانسیون تسهیل و تعدیل شده است. همکاری در امور کیفری طبق این فصل الزامی است؛ اما در خصوص امور مدنی و اداری، کشورها باید آن را مورد بررسی قرار دهند،^{۲۸} اگرچه الزامی نیست.^{۲۹}

همکاری صورت گرفته از سوی نهادهای بخش خصوصی مانند بانکها تنها مورد تشویق قرار می‌گیرد. متأسفانه این بند یک رهنمود ضعیف است؛ زیرا، همکاری از سوی بانکها و دیگر نهادهای بخش خصوصی برای دستیابی به مدارک یک فعالیت فاسدآمیز حیاتی است. ملزم نمودن کشورهای عضو به همکاری در مسائل جنایی یک شرط لازم اما ناکافی برای استرداد مؤثر داراییها است؛ زیرا غالباً نیاز است که بانکها و دیگر مؤسسات، هنگام با خبر شدن از مبادلات مشکوک به فساد، پیگیریهای قانونی را به راه انداخته و مقامات مسئول را مطلع کنند. بند مربوط به رازداری بانکی سختگیرانه تر است، این بند کشورهای عضو را ملزم میکند که تضمین نمایند قوانین رازداری بانکی میتواند هنگام انجام تحقیقات درخصوص فساد ملغی گردد.^{۳۰}

استرداد داراییها: ۳۱

یکی از اصول بنیادین این کنوانسیون و از نوآوری‌های اصلی آن، حق استرداد دارایی‌های عمومی سرقت‌شده است. به گفته بسیاری از ناظران، فصل پنجم مهم‌ترین عامل جذابیت کنوانسیون مریدا و دلیل اصلی پذیرش گسترده آن از سوی کشورهای در حال توسعه بوده است. مقررات کنوانسیون مریدا چارچوبی را برای کشورها فراهم می‌کند تا حقوق مدنی و کیفری خود را به‌گونه‌ای اصلاح کنند که پیگیری، مسدودسازی، مصادره و بازگرداندن وجوه حاصل از فعالیت‌های فاسد ممکن شود. در اغلب موارد، کشور درخواست‌کننده در صورتی که بتواند مالکیت خود را اثبات کند، دارایی‌های باز یافته را دریافت خواهد کرد. در برخی موارد نیز، این داراییها ممکن است مستقیماً به قربانیان فردی بازگردانده شوند.^{۳۲}

کنوانسیون یک تعادل شکننده را حفظ نموده است، زیرا از سوبی حاوی رهنمودهای قوی و دقیق ضد فساد است که خواسته‌ی دکنشورهای توسعه یافته بود و از سوی دیگر کشورهای در حال توسعه مشتاق به پذیرفته شدن رهنمودهای مربوط به همکاریهای قوی و استرداد داراییها بودند.^{۳۳}

اثر بخشی مقررات مربوط به بازگرداندن داراییها تا حد زیادی به تدابیر همکاری حقوقی متقابل بستگی دارد. در جریان مذاکرات، بسیاری از کشورهای توسعه یافته بر اصل "دوگانگی جرم‌انگاری" تأکید داشتند؛ یعنی اینکه برای ارائه چنین همکاری‌هایی، هر دو کشور درخواست‌کننده و درخواست‌شونده باید جرمی مشابه را در حقوق کیفری خود تعریف کرده باشند.

به طور کلی، هرچند فصل مربوط به بازگرداندن داراییها به اندازه‌ای که برخی ادعا می‌کنند انقلابی نیست، اما گامی مهم به پیش در مواجهه با یکی از مسائل پیچیده در روابط بین‌الملل به شمار می‌رود. مهم‌تر اینکه، کنوانسیون مریدا مقررات بازگرداندن داراییها را به

²⁷ Webb, Philipp. (2005). op. cit., 206.

^{۲۸} ماده ۴۳، بند ۱

²⁹ Hechler, Hannes. (2010). op. cit., 2.

^{۳۰} رضوی فرد، بهزاد و حمیدرضا حسن پور، پیشین، ۶۶.

³¹ Asset Recovery

³² Hechler, Hannes. (2010). 2.

^{۳۳} رضوی فرد، بهزاد و حمیدرضا حسن پور، پیشین، ۶۶.

طیف وسیعی از اشکال فساد، و نه فقط رشوه، گره می‌زند. برخلاف کنوانسیون‌های سازمان کشورهای آمریکایی (OAS)، سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD)، و شورای اروپا (COE) که فساد را عمدتاً مترادف با رشوه‌خواری می‌دانند، کنوانسیون مریدا این رویکرد را به چالش می‌کشد؛ زیرا این دیدگاه محدودیت‌های ذاتی دارد، به‌ویژه در مواردی که مقامات دولتی از طریق پرداخت‌های غیرقانونی مانند "کمسیون‌های پنهانی" و "سه‌م‌برداری" ثروتمند می‌شوند که در قالب رشوه فعال یا منفعل نمی‌گنجد. این کنوانسیون پیچیدگی فساد را به رسمیت می‌شناسد و برای هر نوع از آن، اقدامات مقتضی جهت بازگرداندن دارایی را پیش‌بینی کرده است. بنابراین، نباید تأثیر مقررات بازگرداندن دارایی‌ها را بیش از حد بزرگ‌نمایی کرد. این مقررات توجه بین‌المللی را به یکی از ابعاد مهم فساد که گریبان‌گیر کشورهای در حال توسعه است جلب می‌کند، اما راه‌حل جامع و نهایی برای همه مشکلات این کشورها نیست.^{۳۴}

۲- اثربخشی در کنوانسیون مریدا

یکی از مهم‌ترین جنبه‌های حقوق بین‌الملل و یا حقوق به طور کلی، اثربخشی آن است. اگر حقوق بین‌الملل نتواند رفتار واقعی (de facto) را تغییر دهد، چه کارکردی خواهد داشت؟

اثربخشی می‌تواند به معنای رعایت باشد، بدین معنی که «به درجه‌ای که یک دولت به گونه‌ای رفتار می‌کند که با تعهدات حقوقی خود سازگار باشد» تعریف شود. با این حال، اثربخشی را نمی‌توان صرفاً با ارزیابی اهداف محقق‌شده سنجید. نمی‌توان انتظار داشت که یک ابزار حقوقی به طور کامل فساد را ریشه‌کن کند. به طور واقع‌بینانه، نتیجه مطلوب باید تغییر در رفتار دولت‌ها باشد و تصویر بزرگ‌تری در نظر گرفته شود؛ به عبارت ساده، آیا وضعیت کلی بهتر از زمانی است که معاهده وجود نداشت؟

با وجود اینکه کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه فساد، اعضای در حدود تعداد اعضای سازمان ملل متحد دارد ولی سطح فساد در سراسر جهان همچنان بالاست. تحلیل شاخص‌ها در سال ۲۰۲۲ نشان می‌دهد که در مقیاسی از صفر (بسیار فاسد) تا یکصد (کاملاً پاک)، دو سوم کشورها نمره‌ای کمتر از ۵۰ کسب کرده‌اند. آمار منتشر شده توسط سازمان شفافیت بین‌الملل از وضعیت ادراک فساد در سال ۲۰۲۴ نشان می‌دهد که از مجموع ۱۸۰ کشور تنها ۵۷ کشور امتیاز بالای ۵۰ را دارا می‌باشند و حتی برخی کشورهای قدرتمند اقتصادی نیز نتوانسته‌اند امتیاز معقولی را کسب نمایند.^{۳۵}

دلیل این‌که این وضعیت فاجعه‌بار است، متعدد و چندوجهی است. اگر مبارزه با فساد امری حیاتی است، چرا با وجود تلاش‌هایی که دهه‌ها ادامه داشته، فساد همچنان غالب است؟ چرا برخی کشورها نتوانسته‌اند به‌طور موفقیت‌آمیزی سطح فساد را به‌طور چشمگیری کاهش دهند، و چرا در برخی کشورهایی که فساد در آن‌ها گسترده است، به نظر می‌رسد که حتی با وجود تلاش‌ها برای محدود کردن آن، فساد بیشتر هم شده است؟

مبارزه با فساد، راهبردی چندبعدی است که برای اثربخشی آن، باید جنبه‌های نهادی، اجتماعی و قانون‌گذاری به‌طور هم‌زمان فعال شوند. پایه‌های هنجاری (normative base) به‌منزله زیربنای حقوقی بنیادین هستند که امکان اجرای اقدامات مقابله‌ای با تخلفات ناشی از فساد را فراهم می‌سازند.^{۳۶}

ماده ۵ کنوانسیون مریدا، اساسی‌ترین ماده در ارتباط با تدابیر پیشگیرانه است که بر مفهوم «اثربخشی» تمرکز دارد. در بند اول بر توسعه و اجرای سیاست‌های ضدفساد مؤثر و هماهنگ که مطابق با اصول اساسی نظام حقوقی خود، و در بند دوم بر اتخاذ شیوه‌های مؤثر برای پیشگیری از فساد تأکید دارد.

³⁴ Webb, Philipp. (2005). op. cit., 210-211.

³⁵ <https://www.transparency.org/en/cpi/2024>

³⁶ Gulnaz Sagandykova and Zhanat Imanbekov and Kuanysh Akhmetkaliyev, "Modeling the Subject of a Corruption Offense in the Quasi-Public and Private Sectors", Journal of Law and Sustainable Development, v.11, 8(2023): 2. DOI: <https://doi.org/10.55908/sdgs.v11i8.1433>

اثربخشی، در حقوق بین‌الملل، یعنی نزدیکی به واقعیت؛ این دو مفهوم (اثربخشی و نزدیکی به واقعیت) رابطه‌ی علت و معلولی ندارند، بلکه عین یکدیگرند. با اینکه این نکته هنوز معنای دقیق و خاصی از اثربخشی به دست نمی‌دهد، اما فعلاً همین بس که رایج‌ترین معنای آن، اصلی است که بر پایه‌ی آن، پیامدهای حقوقی مشخصی بر واقعیت‌های خاص مترتب می‌گردند.³⁷ بنابراین باید در تفسیر اثربخشی ماده ۵ این مفهوم را در نظر داشت که آیا برای نزدیکی به واقعیت مبارزه با فساد می‌توان از رویکرد میان‌رشته‌ای استفاده نمود. همانگونه که ماده ۳۱(۱) کنوانسیون وین درباره حقوق معاهدات اقتضا دارد که اصطلاحات «در زمینه آن‌ها» تفسیر شوند، تفسیر معاهده صرفاً یک تمرین دستوری نیست، و مفسران باید معاهده را به عنوان یک کل در نظر بگیرند و فراتر از آن، ساختار نظام‌مند معاهده را به اندازه معنای عادی واژگان به کار رفته، مهم تلقی کنند. زمینه (context) معاهده شامل عنوان، دیباچه، پیوست‌ها، پروتکل‌ها و جایگاه آن در مجموعه اسناد است. پرونده سکوه‌های نفتی (Oil Platforms) نزد دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ) اهمیت عناوین معاهدات را در تعریف اصطلاحاتی مانند «تجارت» در توافقات دوجانبه بین ایران و ایالات متحده برجسته ساخت. دیوان همچنین در پرونده فلات قاره دریای اژه (Aegean Sea Continental Shelf) اهمیت نشانه‌گذاری و نحو را آشکار نمود.

سیاق ماده ۵ نشان می‌دهد که بر استفاده از رویکرد میان‌رشته‌ای برای مبارزه با فساد قائل می‌باشد، این رویکرد در دیباچه کنوانسیون مریدا که صراحتاً بر استفاده از ضرورت «یک رویکرد جامع و میان‌رشته‌ای برای پیشگیری و مبارزه مؤثر با فساد» تأکید دارد نیز آمده است. این عبارات به روشنی، ارتباط مستقیم بین اثرگذاری و رویکرد میان‌رشته‌ای برقرار می‌کند و به‌تنهایی نشانه‌ای قوی برای تفسیر ماده ۵ در چارچوب این رویکرد محسوب می‌شود. دیباچه همچنین با تأکید بر «تقویت فرهنگ رد فساد» که جنبه‌های فرهنگی را در مرکز قرار می‌دهد، زمینه‌ای که در صلاحیت رشته‌هایی چون جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، علوم سیاسی و آموزش قرار دارد. اما منظور از رویکرد میان‌رشته‌ای و مشارکت با دقت در کلماتی که در مواد کنوانسیون استفاده شده است روشن می‌شود. در ماده ۵(۱) بر «مشارکت جامعه» تأکید می‌کند، و در ماده ۱۳ مشارکت جامعه را در پیشگیری از فساد توضیح می‌دهد، که همگی نشان‌دهنده ارجاع به دانش و روش‌های فراتر از حقوق هستند.

ماده ۵(۴) اشاره به مشارکت در پروژه‌ها و برنامه‌های بین‌المللی می‌کند، که از لحاظ ماهیت فراتر از صرفاً اسناد حقوقی یا معاهدات هستند، یعنی پروژه‌هایی که ممکن است شامل سیاست‌گذاری، آموزش، روان‌شناسی رفتاری، یا مطالعات فرهنگی باشند. ماده ۱۶(ب) خواستار «افزایش و نشر آگاهی درباره پیشگیری از فساد» است، اما مشخص نمی‌کند این دانش از کدام رشته علمی باید بیاید؛ که این دلالتی عام بر استفاده تمامی دانش‌ها می‌تواند داشته باشد.

تفسیر مقایسه‌ای با دیگر معاهدات مرتبط نیز نشان می‌دهد که روش‌ها و مکانیسم‌های مورد استفاده برای مقابله با فساد نمی‌تواند محدود باشد، به عنوان نمونه کنوانسیون کشورهای آمریکای لاتین (Inter-American Convention) بر لزوم استفاده از «سازوکارهای نوین» در پیشگیری از فساد تأکید دارد و مشارکت جامعه مدنی را مهم می‌داند؛ و یا کنوانسیون مبارزه با رشوه‌خواری OECD نیز اقدامات مؤثر همراه با «درک‌های نوین» از فساد را توصیه می‌کند، و از اقدامات نهادهایی مانند سازمان ملل و بانک جهانی استقبال می‌کند. اوج این رویکرد را می‌توان در کنوانسیون اتحادیه آفریقا مشاهده نمود که بیشترین حمایت را از رویکرد میان‌رشته‌ای دارد، در دیباچه می‌گوید باید به «علل ریشه‌ای فساد» پرداخت؛ ماده ۲ هدف را «توسعه اجتماعی و اقتصادی» و «ایجاد شفافیت و پاسخ‌گویی» می‌داند؛ ماده ۵(۸) بر آموزش، رسانه و ترویج اخلاق عمومی تأکید دارد؛ ماده ۲۲(ب) و (د) وظیفه شناخت طبیعت و گستره فساد و توصیه به دولت‌ها را دربر می‌گیرد، یعنی تحلیل پدیده فساد، نه صرفاً پاسخ حقوقی به آن.

³⁷ State Failure, *Sovereignty and Effectiveness: Legal Lessons from the Decolonization of Sub-Saharan Africa.*, (Gerard Kreijen, Leiden/Boston Martinus Nijhoff Publishers, 2004), 180.

این موارد نشان می دهد که غایت بکارگیری کنوانسیون در استفاده از روش های مبارزه با فساد در پرتو دیگر مکانسیم های بین المللی و داخلی کشورها تفسیر می شود.

از سوی دیگر مفاد کیفری و اجرایی تنها پس از وقوع جرم وارد عمل می شوند. این مفاد به خودی خود برای مبارزه مؤثر با فساد کافی نیستند، زیرا نبود اراده سیاسی (حتی در صورت وجود منابع و ظرفیت) می تواند تلاش ها برای اجرا را تضعیف کند. به همین ترتیب، نبود اراده سیاسی می تواند به اقدامات پیشگیرانه ناکافی، از جمله فقدان شفافیت و پاسخگویی در بخش عمومی، منجر شود. ماده (۱)۵، که ماهیتی الزام آور دارد، از هر دولت عضو می خواهد که سیاست های ضد فساد مؤثر و هماهنگ را مطابق با اصول اساسی نظام حقوقی خود تدوین، اجرا یا حفظ کند. از آنجا که نظام های حقوقی در کشورهای مختلف متفاوت است، انتظار می رود هر دولت عضو این سیاست ها را از طریق مکانسیم هایی که برایش قابل قبول و مطابق با قوانین نظام حقوقی اش باشد، معرفی کند. این سیاست ها می توانند، برای مثال، از طریق دستورات اداری، قطعنامه ها، اصلاحات در قوانین یا اساسنامه ها معرفی شوند.^{۳۸}

دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد (UNDOC) که بر اجرای کنوانسیون مریدا نظارت دارد زیر نظر سازمان ملل اداره می شود؛ از این رو، تحولات در سازمان ملل برای کنوانسیون مریدا نیز اهمیت دارد. سازمان ملل در اهداف توسعه پایدار خود، نقشه راهی برای آینده ای پایدارتر ترسیم کرده است. در هدف توسعه ای شماره ۱۶ با عنوان «صلح، عدالت و نهادهای نیرومند»، سازمان ملل برنامه خود برای مبارزه با فساد را ارائه کرده است. این سازمان از الگوی بانک جهانی پیروی می کند که پیش تر، در سال ۲۰۱۵، گزارشی مفصل درباره استفاده از علوم رفتاری و جامعه شناسی برای مقابله با فساد منتشر کرده بود. با در نظر گرفتن کنوانسیون مریدا، معاهدات مرتبط، و زمینه گسترده تر فعالیت های سازمان ملل، می توان گفت که زمینه (context) به وضوح به نفع رویکرد میان رشته ای است. بنابراین، هم واژگان به کار رفته در معاهده و هم بستر تفسیری آن، خواهان رویکردی میان رشته ای هستند. با این حال، این رویکرد باید همچنان با هدف و مقصود کنوانسیون نیز همخوان باشد.

برخی معتقدند که تدوین کنندگان کنوانسیون ضد فساد، در زمان نگارش، رویکرد میان رشته ای را مد نظر نداشتند. این عدم پیش بینی در «آثار مذاکرات مقدماتی»^{۳۹} به وضوح قابل مشاهده است. در اینجا منظور ما از واژه ای «میان رشته ای» به معنای بهره گیری از علوم مختلف در راستای مبارزه با فساد است، در حالی که در آثار مقدماتی کنوانسیون، منظور از «میان رشته ای» این بود که رشته ای حقوق باید به اشکال مختلف فساد پاسخ دهد. اگرچه شواهد متنی قابل توجهی برای تفسیر میان رشته ای وجود دارد، اما تدوین کنندگان در آن زمان صراحتاً خواهان گنجاندن دیگر رشته های علمی نبودند، یا دست کم به آن فکر نکرده بودند.

بنظر می رسد که اگر بپذیریم که تدوین کنندگان صراحتاً در ماده ۵ خواهان رویکرد میان رشته ای نبودند نیز می توان قائل به برداشت میان رشته ای بود، زیرا که مسلماً منظور از تصویب این کنوانسیون، اثربخشی بوده و علاوه بر این تفسیر تکاملی دلالت بر وارد ساختن چنین رویکردی به متن است. ماده (۱)۳۱ کنوانسیون وین حقوق معاهدات، عنصر غایت گرایانه (teleological) را در تفسیر وارد می کند و با تضمین اینکه مفاد معاهده اهداف آن را پیش می برند و از بی اثر شدن یا کاهش آثار عملی آن جلوگیری می کنند، کارآمدی را ترویج می کند. به بیان دیگر، هدف از تفسیر، کشف «نیت واقعی طرفین» است. این نیت به تفسیر تکاملی (evolutionary interpretation) مرتبط است. تفسیر تکاملی یک روش جداگانه ای تفسیر نیست، بلکه کاربرد واقعی و معتبر روش های استاندارد تفسیر به منظور استخراج نیت واقعی طرف هاست.

³⁸ Rose, Cecily, and Michael Kubiciel, Oliver Landwehr, *The United Nations Convention Against Corruption, A Commentary*, (OXFORD university press, 2019), 50-51.

³⁹ travaux préparatoires

اصل کارآمدی و اثرگذاری⁴⁰ با تفسیر تکاملی رابطه نزدیکی دارد، زیرا تفسیر معاهدات تا حد زیادی بر کارآمدی متکی است. اصل کارآمدی و تفسیر تکاملی متقابلاً به هم وابسته‌اند. همان‌طور که در رأی دیوان دآوری خط آهن آهنی (Iron Rhine) دیده شد، اصل کارآمدی می‌تواند به تفسیر تکاملی منجر شود. اصطلاح «تفسیر تکاملی» به شرایطی اطلاق می‌شود که در آن یک دادگاه یا دیوان بین‌المللی تشخیص می‌دهد که یک مقرره‌ی معاهده انعطاف‌پذیر است و لزوماً معنای ثابتی ندارد، و بنابراین امکان سازگاری با تحولات آینده‌ی حقوق بین‌الملل را دارد. به بیان دیگر، این حالتی است که معنای اصطلاحات معاهده هنگام اجرا، و نه لزوماً معنای اصلی آن‌ها در زمان انعقاد، تعیین‌کننده خواهد بود. بدون تفسیر تکاملی، دستیابی به تفسیری مناسب دشوار خواهد بود.

اصل کارآمدی بیان می‌دارد که هر تفسیری باید به تولید نتایج مورد نظر در چارچوب حقوق موجود بینجامد. تفسیری که موجب کاربردپذیری مفاد یا عبارات یک معاهده شود باید ترجیح داده شود، نه تفسیری که اهمیت آن را کاهش می‌دهد. هدف اصل کارآمدی، تفسیر مؤثر و واقعی توافقی اولیه‌ی دولت‌های طرف معاهده است، نه تفسیری خیالی یا غیرواقعی.

جامعیت این کنوانسیون در زمینه اقدامات پیشگیرانه، همکاری‌های بین‌المللی، و معاضدت قضایی متقابل، خصوصاً بخش مربوط به اقدامات پیشگیرانه که عمدتاً با عباراتی غیرالزام‌آور بیان شده است، دامنه گسترده‌ای از آزادی عمل را برای کشورهای عضو در انتخاب تدابیر اجرایی مشخص باقی می‌گذارد. با این حال، کنوانسیون از کشورهای عضو می‌خواهد که در حوزه‌های مختلف، اقدامات لازم را اتخاذ کنند، بدون آن‌که الگویی واحد و دقیق برای اجرا تحمیل کند؛ بر اساس مفاد کنوانسیون، کشورها باید نهادهای ضد فساد تأسیس کنند؛ نظام‌های مناسب در زمینه تأمین مالی عمومی (تدارکات دولتی) برقرار نمایند؛ سلامت و استقلال قوه قضاییه را تقویت کنند؛ تدابیری برای پیشگیری از فساد در بخش خصوصی اتخاذ نمایند؛ مشارکت فعال جامعه مدنی را ترویج دهند؛ و یک نظام نظارتی جامع برای بانک‌ها و سایر مؤسسات مالی برای پیشگیری از پول‌شویی برقرار سازند. تمامی این مقررات خاص در پی بند صدر ماده ۵ کنوانسیون آمده‌اند که از کشورهای عضو می‌خواهد سیاست‌های ضد فساد جامع و هماهنگی را اتخاذ کنند که مشارکت اجتماعی را تقویت کرده و بر اصول حاکمیت قانون، مدیریت صحیح امور عمومی و دارایی‌های عمومی، صداقت، شفافیت و پاسخگویی مبتنی باشند، که این نشان می‌دهد تدوین‌کنندگان نظر به استفاده از تمامی ابزارهای موجود در نظام حقوقی و اجرایی هر کشوری در جلوگیری از فساد داشته‌اند.⁴¹

برخی پژوهشگران استدلال کرده‌اند که تفسیر تکاملی منحصر به معاهدات حقوق بشری است، زیرا این معاهدات بیشتر بر هدف و منظور (object and purpose) متمرکز هستند. این نظریه را بایستی حمل بر غالب نمود، زیرا هرچند دادگاه‌ها و دیوان‌های حقوق بشری به‌طور منظم از تفسیر تکاملی استفاده می‌کنند، اما این موضوع مختص به آن‌ها نیست. انکاء به این نوع تفسیر، محدود به معاهدات حقوق بشری نیست، زیرا دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ) و دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی (PCIJ) نیز در رویه‌ی قضایی خود به‌طور مکرر از آن بهره برده‌اند. تفسیر تکاملی، بخشی از رویه‌ی قضایی محاکم داخلی و بین‌المللی در زمینه‌های گوناگون حقوق بین‌الملل و حتی فراتر از آن است و تنها به حوزه‌ی خاصی محدود نمی‌شود. دانکن آکانده (D. Akande) تأکید می‌کند که منشور ملل متحد سندی پویاست و باید با تفسیر تکاملی همراه شود تا سازمان بتواند خود را با شرایط متغیر تطبیق دهد. آکانده نتیجه می‌گیرد که تفسیر معاهدات اساسی (constitutional treaties) ذاتاً با تفسیر معاهدات معمولی متفاوت است. او بیشتر استدلال خود را بر پایه‌ی ارزیابی‌های مربوط به نظریات مشورتی در قضایای نامیبیا و مسئولیت برای جراحات (Reparation for Injuries) استوار می‌کند.

⁴⁰ principle of effectiveness (sometimes referred to as effet utile)

⁴¹ Maskun. (2014). "Combating Corruption based on international rules", Indonesia Law Review, V 4, 1 (2014), 64.

نه تنها هیچ‌یک از ۷۱ ماده‌ی کنوانسیون مبارزه با فساد سازمان ملل استفاده از رویکرد میان‌رشته‌ای که از تفسیر تکاملی ناشی می‌شود را ممنوع نکرده‌اند، بلکه برعکس، در بخش‌های مختلف خود بر رویکردی عملی و کاربردی تأکید دارد. برای مثال، ماده ۱ (الف) تصریح می‌کند که «اهداف این کنوانسیون عبارت‌اند از: ارتقاء و تقویت تدابیری برای پیشگیری و مبارزه با فساد به‌گونه‌ای کارآمدتر و مؤثرتر.» همانگونه که مشخص است نویسندگان این سند بر کارآمدی و اثربخشی تأکید جدی داشته‌اند. ماده ۵ کنوانسیون نیز متمرکز بر کارآمدی است. به طور خاص، بند ۱: «...سیاست‌های ضدفساد مؤثر و هماهنگ برقرار نمایند» و بند ۲: «...روش‌های مؤثر را ارتقاء دهند» و بند ۳: «...اقدامات را برای تعیین میزان کفایت آن‌ها در پیشگیری از فساد ارزیابی نمایند». مخصوصاً بند ۳ ماده ۵ نشان می‌دهد که نویسندگان کنوانسیون به‌خوبی درک کرده‌اند که برای مقابله با تحول فساد، سیاست‌ها باید قابل تطبیق و حرفه‌ای باشند تا در مبارزه با فساد موفق شوند. بند ۵(۳) حتی معیار سخت‌گیرانه‌تری را که بر این باور است ابزار حقوقی زنده (living instrument) باید در ذات خود پویایی برای تغییر داشته باشد، برآورده می‌کند.

بنابراین، هیچ‌گونه نشانه‌ای وجود ندارد که نشان دهد نویسندگان کنوانسیون قصد داشته‌اند امکان چنین رویکردی را نفی کنند. رویکرد چندرشته‌ای نه تنها ممنوع نیست و مخالف قانون محسوب نمی‌شود، بلکه با متن و هدف کنوانسیون نیز کاملاً همخوان است. همه این مباحث را باید بر هدف و منظور اصلی کنوانسیون مریدا، افزود که مبارزه مؤثر با فساد است. رویکرد چندرشته‌ای به این هدف جان می‌بخشد، چرا که امکان ارزیابی عینی و مؤثر فساد در موقعیت‌های گوناگون را فراهم می‌سازد. بنابراین، رویکرد چندرشته‌ای کاملاً با هدف و منظور کنوانسیون و به‌ویژه ماده ۵ آن هم‌راستا است.^{۴۲}

در تایید همین برداشت می‌توان به گفت‌وگوهایی که با هدف بازنگری در بخشی از چارچوب سازوکار بازبینی اجرای کنوانسیون^{۴۳}، در ساختارهای رسمی کنوانسیون برگزار شده است، رجوع نمود. یادداشت دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد (UNODC) در اکتبر ۲۰۲۳، که به تحلیل عملکرد IRM پرداخته و همچنین، بیانیه سیاسی مجمع عمومی سازمان ملل در مبارزه با فساد (UNGASS) کشورهای عضو را متعهد می‌سازد تا «به‌طور کامل و مؤثر پیگیر نتیجه‌گیری‌ها و مشاهدات حاصل از فرآیند بازبینی باشند.» این تعهد بیانگر ضرورت تقویت پیگیری و اجرای توصیه‌های ارائه‌شده در چارچوب بازبینی‌های قبلی است. تا سازوکار IRM بتواند در مراحل بعدی کارآمدتر و مؤثرتر عمل کند.^{۴۴}

۳- اثربخشی اجرای کنوانسیون در کشورهای عضو

با وجود چارچوب نسبتاً جامع و پیشرفته‌ای که کنوانسیون مریدا برای مبارزه با فساد ارائه می‌دهد، اجرای مؤثر آن با موانع حقوقی، سیاسی و ساختاری متعددی مواجه است. شکی نیست که کنوانسیون مریدا طیف گسترده‌ای از الزامات را پوشش می‌دهد که قطعاً برای بسیاری از امضاکنندگان نیازمند اجرای فعالانه است. با این حال، مشکلاتی ممکن است در رابطه با کیفیت این معاهده به‌عنوان یک معاهده قابل اجرا و همچنین دقت زبان به‌کاررفته برای ترویج اجرای مؤثر ایجاد شود.^{۴۵} یکی از انتقادات اساسی به کنوانسیون مریدا، استفاده گسترده از واژگان غیرالزام‌آور مانند "shall consider" یا "shall endeavour to" در بسیاری از مواد است. این زبان

⁴² Schlüter, Nils. (2024). "How to make international law more effective: The effectiveness of the United Nations convention against corruption", *Zhurnal VSHÉ po mezhdunarodnomu pravu* (HSE University Journal of International Law), Vol. 2, No. 2(2024). 82. <https://doi.org/10.17323/jil.2024.22264>

⁴³ Implementation Review Mechanism (IRM)

⁴⁴ Adams, Karin, and Frederike Diny, Sheenam Puri, Series editor Saul Mullard. (2024). "How to make the UN Convention against Corruption's Implementation Review Mechanism more effective", U4 Anti-Corruption Resource Centre, 5.

⁴⁵ Brunelle-Quraishi, Ophelie. (2011). "Assessing the Relevancy and Efficacy of the United Nations Convention against Corruption: A Comparative Analysis", *Notre Dame Journal of International & Comparative Law*, Vol. 2, Iss. 1(2011), Art 3, 129. Available at: <http://scholarship.law.nd.edu/ndjicl/vol2/iss1/3>

مبهم، به‌ویژه در فصل بازگرداندن دارایی‌ها، اجرای مؤثر مفاد کنوانسیون را به اراده سیاسی دولت‌ها گره می‌زند و موجب می‌شود برخی کشورها به بهانه فقدان الزام قانونی از مسئولیت شانه خالی کنند.

همچنین دوگانگی جرم، مانعی جدی بر سر راه اجرای کنوانسیون است. گرچه کنوانسیون تلاش کرده محدودیت دوگانگی جرم را کاهش دهد، اما هنوز هم در مواردی که اقدامات قهری مانند توقیف اموال یا استرداد در میان باشد، شرط تطابق جرم در دو نظام حقوقی باقی است. این موضوع اجرای همکاری‌های قضایی را پیچیده کرده و در عمل، به یک مانع ساختاری تبدیل شده است. برای اطمینان از تعهد یک کشور به کنوانسیون مریدا، وجود یک مکانیسم نظارتی برای رصد اجرا ضروری است؛ هر چیزی کمتر از این، اعتبار کنوانسیون را تضعیف خواهد کرد. هدف مفاد نظارتی، تشویق کشورها به تصویب کنوانسیون‌ها و اجرای عملی آن‌ها است. اکثر مفاد کنوانسیون خوداجرا نیستند و بنابراین نیازمند اجرای ملی از سوی کشورهای عضو هستند. مکانیسم‌هایی که برای اطمینان از اجرای صحیح داخلی ایجاد شده‌اند، با توجه به تعداد زیاد و تنوع کشورهای مشارکت‌کننده، از اهمیت حیاتی برخوردارند. این تنوع در عضویت کنوانسیون همچنین رسیدن به اجماع بر سر یک مکانیسم نظارتی را برای کشورهای عضو دشوارتر می‌کند.^{۴۶} کنوانسیون مریدا فاقد نظام نظارتی قوی و الزام‌آور مشابه برخی دیگر از رژیم‌های بین‌المللی مانند مکانیسم بررسی دوره‌ای در حقوق بشر یا نهادهای نظارت (FATF) است. مکانیسم نظارتی کنوانسیون مریدا مبتنی بر یک فرآیند بین‌دولتی است و به بهترین وجه به عنوان یک «مکانیسم بررسی همتا»^{۴۷} توصیف می‌شود و به معنای ارزیابی عملکرد یک دولت توسط دولت‌های دیگر، با هدف نهایی کمک به دولت مورد بررسی برای بهبود سیاست‌گذاری، پذیرش بهترین رویه‌ها و رعایت استانداردها و اصول تعیین شده است. این فرآیند که ماهیتی داوطلبانه، بین‌دولتی و محدود به ارزیابی‌های دوجانبه دارد، باعث می‌شود ارزیابی‌ها فاقد شفافیت و الزام کافی باشند. بنظر می‌رسد که همین دیدگاه داوطلبانه بودن نظارت، باعث شده است که کنوانسیون، فاقد نظام تحریم‌ها باشد، و کشورهای عضو را به دلیل عدم رعایت با هیچ‌گونه تحریمی مواجه نسازد.

بسیاری از کشورها، خصوصاً در فرآیند استرداد مجرمین یا بازگرداندن دارایی‌ها، با ملاحظات سیاسی مواجه‌اند. اقدامات مربوط به بازبازی دارایی‌ها، ملاحظات سیاسی پیچیده‌ای را به همراه دارد. کشور درخواست‌کننده ممکن است با موانع سیاسی داخلی از سوی حامیان رهبر پیشین یا مقامات عالی‌رتبه‌ای که ظاهراً دارایی‌ها را منتقل کرده‌اند، مواجه شود. از سوی دیگر، کشور دریافت‌کننده درخواست ممکن است درباره مشروعیت سیاسی دولت کشور درخواست‌کننده، انگیزه‌های پشت تلاش‌های بازبازی، یا سرنوشت دارایی‌های بازگردانده‌شده در صورت تداوم فساد، نگرانی‌هایی داشته باشد. گرچه کنوانسیون مریدا مستقیماً این ملاحظات سیاسی را حل نمی‌کند، اما روند مذاکرات درباره فصل بازگرداندن دارایی‌ها موجب شکل‌گیری اراده سیاسی چشمگیر در سطح بین‌المللی شد که اهمیت این مسئله را به رسمیت می‌شناسد. این اجماع سیاسی می‌تواند کشورها را برای غلبه بر موانع سیاسی در فرآیند بازگرداندن دارایی‌ها تشویق کند.^{۴۸}

اجرای تعهدات کنوانسیون مریدا نیازمند هماهنگی میان نظام‌های حقوق کیفری مختلف است؛ از جمله در حوزه تعریف جرایم، صلاحیت قضایی، و رویه‌های دادرسی. اما تفاوت‌های بنیادین میان نظام‌های کامن‌لا و حقوق مدون (مانند نظام‌های رومی-ژرمنی)، مانع از همگرایی کامل و اجرای یکنواخت مفاد کنوانسیون شده است. یکی از مشکلات رایج حقوقی در اقدامات مربوط به بازبازی اموال، قرار گرفتن در مرز میان دادرسی‌های حقوقی و کیفری است، زیرا هر یک از این دو نوع دادرسی دارای تضمین‌های آیینی، بار اثبات و راهکارهای جبرانی متفاوتی هستند. در این زمینه، سازوکارهای بازبازی مستقیم یا از طریق همکاری بین‌المللی می‌توانند به

⁴⁶ Brunelle-Quraishi, Ophelie. (2011). op. cit., 134.

⁴⁷ peer review mechanism

⁴⁸ Webb, Philipp. (2005). op. cit., 211.

هماهنگ‌سازی رویه‌ها کمک کنند. اگر کنوانسیون توسط تعداد کافی از کشورهای عضو اجرا شود، این دوگانگی میان حقوقی/کیفری کاهش خواهد یافت.

پرونده‌های استرداد اموال، به‌طور معمول بسیار پیچیده‌اند و نیازمند تلاش مستمر کارشناسان در حوزه‌های حسابرسی قضایی (forensic accounting)، پول شویی و حقوق مدنی و کیفری کشورهای مختلف هستند. ماده مربوط به واحد اطلاعات مالی و فصل مربوط به کمک‌های فنی و تبادل اطلاعات در کنوانسیون ممکن است در این زمینه مفید واقع شوند.

همانگونه که مورد بحث قرار گرفت مهم‌ترین الگو برای میزان موفقیت کنوانسیون همان اثربخشی در مبارزه با فساد می‌باشد. مطالعات تجربی نشان می‌دهد چگونه مطالعات می‌توانند اثربخشی گزینه‌های مختلف را پیش‌بینی کنند. یک رویکرد که در یک کشور یا موقعیت کارایی دارد، ممکن است در کشور یا موقعیت دیگر کاملاً ناموفق یا حتی مخرب باشد. به‌عنوان مثال، هنگ‌کنگ و سنگاپور با اتخاذ تدابیر مشابه (ایجاد نهادهای مؤثر مبارزه با فساد) توانستند به‌طور پایداری فساد را کاهش دهند. از آن زمان، سنگاپور پنجمین کشور پاک و هنگ‌کنگ دوازدهمین کشور پاک جهان بوده‌اند. با این حال، کشورهایی مانند اوگاندا و تانزانیا نتوانستند با همان تدابیر به نتایج مشابهی دست یابند. بنابراین، اثربخشی یک رویکرد تا حد زیادی به زمینه و شرایط محلی وابسته است. فرهنگ به‌عنوان جنبه مرکزی برای تعیین زمینه مناسب مورد توجه است. فرهنگ‌ها در جهان بسیار متنوع و متفاوت هستند و اگر ذهن‌ها پذیرای تغییر نباشند، حتی قدرت‌های خارجی قوی نیز نمی‌توانند جمعیت‌های کل را از ارزش‌های عمیقاً پذیرفته‌شده‌شان تغییر دهند.

همانگونه که برخی بدرستی معتقدند محتوای یک معاهده به خودی خود سطح رعایت را در میان کشورهای عضو افزایش نمی‌دهد، بلکه شرایط اجتماعی و سیاسی کشورهای عضو نیز نقش مهمی ایفا می‌کنند. البته این نیز پذیرفته شده است که عناصر مهم مرتبط با معاهده یا محتوا نقش قابل توجهی در اطمینان از رعایت دارند.⁴⁹

با وجود ضعف‌هایی که در ساختار کنوانسیون مشاهده می‌شود، جهت درک میزان اثربخشی آن در کشورهایی که به اجرا درآمده است، با مدل‌های سنجش متفاوتی می‌توان به موضوع پرداخت. بررسی اثربخشی چارچوب‌های قانونی برگرفته از کنوانسیون مریدا نشان می‌دهد که این چارچوب‌ها هم موفقیت‌هایی داشته‌اند و هم کاستی‌هایی. برای مثال در کشور کنیا، قانون کمیسیون خدمات عمومی (PSC Act) و قانون خدمات عمومی، نقش مؤثری در تضمین اعلام رسمی فرصت‌های شغلی در بخش دولتی و استخدام رقابتی ایفا کرده‌اند. کمیسیون خدمات عمومی (PSC) نقش کلیدی در توسعه منابع انسانی در بخش دولتی ایفا می‌کند که شامل آموزش کارکنان دولتی و ترویج محیط کاری اخلاق‌مدار است. جابجایی منظم کارکنان نیز در نهادهای مختلف از جمله اداره مالیات کنیا، قوه قضائیه، کمیسیون اخلاق و مبارزه با فساد (EACC)، و نیروی پلیس ملی اجرا می‌شود. با این حال، یکی از بزرگ‌ترین ناکامی‌ها به ترکیب قومی در بخش دولتی مربوط می‌شود. به‌عنوان نمونه، سرشماری کارکنان خدمات عمومی که توسط اداره ملی آمار کنیا (KNBS) انجام شده، نشان می‌دهد که شش گروه عمده قومی (کیکویو، کالنجین، لوئو، لویا، کامبا، کیسی) ۸۲/۶٪ از نیروی کار بخش دولتی را تشکیل می‌دهند، در حالی که ۴۲ گروه قومی دیگر تنها ۱۷/۴٪ از این مشاغل را در اختیار دارند. بر اساس این آمار، می‌توان نتیجه گرفت که برخی از قوانین مبتنی بر کنوانسیون مریدا از اثربخشی کافی برخوردار نیستند.⁵⁰

⁴⁹ Brunelle-Quraishi, Ophelie. (2011). op. cit., 128.

⁵⁰ Daud, Yussuf Mohamed, "A Review of Effectiveness of Anti-Corruption Strategies and Institutions in Kenya", African Journal of Commercial Studies. Vol.4, No. 4(2024), 306. <https://doi.org/10.59413/ajocs/v4.i4.5>

در جامعه آماری، رگرسیون^{۵۱} به پیش بینی مقدار یک متغیر وابسته، از روی مقادیر یک یا چند متغیر مستقل اشاره دارد، در یک مطالعه که برآوردها بر اساس چهار شاخص فساد متفاوت انجام شده است، که متغیرهای وابسته شامل شاخص فساد از بانک جهانی، شاخص بی‌بی‌سی فساد (BCI)^{۵۲}، مبادلات فاسد در بخش عمومی، و فساد قضایی هستند؛ تا حدودی به جز شاخص BCI، سایر متغیرهای وابسته کاهش در سال اجرای سیاست‌های کنوانسیون ضد فساد را در کشورهای عضو نشان می‌دهند. نتیجه کلی برای تمام کشورها حاکی از موفقیت‌آمیز بودن کنوانسیون است. برآوردهای مبتنی بر قاره‌ها حاکی از کاهش معنادار آماری در فساد در آفریقای سیاه، شمال آفریقا، و خاورمیانه است.^{۵۳} در این مطالعه تمامی کشورهای عضو کنوانسیون مورد بررسی قرار گرفته اند تا نتیجه به صورت ملموس قابل استناد باشد، و تصویری از اثربخشی کنوانسیون در انواع مختلف کشورها ارائه شود. زیرا که جامعه آماری محدود به کشورهای عضو بوده که به حدی گسترده نبود تا نیاز به مطالعه نمونه آماری باشد.

نتایج رگرسیون (۱) برای متغیرهای مستقل «هزینه‌های دولتی، کودتا، و سطح فساد در گذشته»، نتایج آماری معناداری به دست می‌دهد. ضریب مثبت مربوط به «هزینه‌های دولتی» نشان می‌دهد که افزایش در مخارج دولت باعث افزایش فساد می‌شود. «کودتا» یک متغیر ساختگی (dummy variable) است که اگر کشوری در یک سال معین کودتا را تجربه کرده باشد، مقدار آن برابر ۱ خواهد بود. در صورت وقوع کودتا، فعالیت‌های فاسد افزایش یافته و باعث افزایش در شاخص فساد به میزان ۰/۰۰۰۲ واحد می‌شود. تغییر حکومت از طریق زور به این معناست که دولت جدید به فرآیندهای قانونی و دموکراتیک توجهی ندارد. بر اساس نتایج، هنگامی که کشورها از روندهای دموکراتیک برای تغییر حکومت پیروی نمی‌کنند، فساد افزایش می‌یابد. در بین وقایع قبل و بعد از اجرا، نتایج آماری معناداری وجود دارد، بنابراین نتایج داده‌ها در اجرای کنوانسیون مریدا در تمامی کشورها نشان می‌دهد که در زمان اجرا، فساد کاهش می‌یابد. متغیر وابسته دوم، شاخص BCI است^{۵۴}؛ نتایج رگرسیون (۲) برای شاخص فساد در «رسانه‌ها، جمعیت، و هزینه‌های دولتی» نتایج معنادار آماری نشان می‌دهد. شاخص فساد «رسانه‌ای و جمعیت» دارای علامت مثبت هستند؛ بهبود فعالیت‌های فسادآمیز رسانه‌ای، باعث افزایش فساد به میزان ۲/۷۱ واحد می‌شود. تأثیر افزایش جمعیت نتایج مبهمی دارد، نظریه اقتصادی بیان می‌کند که در کشورهای بزرگ‌تر، به دلیل صرفه‌جویی ناشی از مقیاس، حاکمیت بهتر و اجرای مؤثرتر قانون وجود دارد؛ اما اثر منفی جمعیت زمانی ظاهر می‌شود که هزینه‌های اداری با افزایش اندازه کشور بالا می‌رود و این امر تأثیر مثبت صرفه‌جویی در مقیاس را خنثی می‌کند. رگرسیون (۲) مطابق با نظریه اقتصادی است و نشان می‌دهد که افزایش جمعیت منجر به کاهش فساد می‌شود. هزینه‌های دولتی در این رگرسیون نیز دارای علامت منفی هستند؛ بنابراین، افزایش مخارج دولت باعث کاهش فساد می‌شود.

در رگرسیون سوم، از «تبادلات فاسد در بخش عمومی» به عنوان متغیر وابسته استفاده شده است. نتایج این رگرسیون برای تمام کشورها، اطلاعاتی درباره تأثیر شرایط اقتصادی از طریق «تولید ناخالص داخلی سرانه و نرخ تورم» ارائه می‌دهند. بر اساس رگرسیون سوم، افزایش تورم باعث افزایش فساد در بخش عمومی به میزان ۰/۰۰۰۰۹ واحد می‌شود. زمانی که تورم باعث کاهش درآمد واقعی می‌شود، افراد ممکن است برای جبران آن به روش‌هایی مانند رشوه‌خواری روی بیاورند، هرچند که این افزایش در فساد زیاد نیست، اما نتایج با یافته‌های پیشین در ادبیات مرتبط با تأثیر تورم بر فساد هم‌راستا هستند. بهبود در شاخص شفافیت باعث کاهش فساد به میزان

^{۵۱} رگرسیون به معنی مطالعه رابطه بین یک متغیر وابسته و یک یا چند متغیر مستقل است. به زبان ساده، رگرسیون به ما کمک می‌کند تا بفهمیم چگونه تغییرات در متغیرهای مستقل، بر متغیر وابسته تأثیر می‌گذارد.

^{۵۲} Bayesian Corruption Index (BCI)

^{۵۳} Fazlioglu, Berna, Supervisor: Guillem Rimbau Armet. (2021). 'Effectiveness of the anti-corruption policies: Empirical analysis of United Nations Convention Against Corruption', Dipòsit Digital de la Universitat de Barcelona, 2021, 1.

^{۵۴} شاخص بی‌بی‌سی فساد به مدلی اشاره دارد که با استفاده از روش‌ها و فرضیات آماری بی‌بی‌سی، سطح فساد در کشورها یا نهادها را برآورد یا پیش‌بینی می‌کند.

۰/۰۰۲۱ واحد می‌شود. شفافیت، موانع اطلاعاتی را کاهش داده و امکان کشف فساد را فراهم می‌سازد؛ بنابراین، همان‌طور که نتیجه نشان می‌دهد، افزایش شفافیت باعث کاهش فساد می‌شود.

متغیر وابسته در رگرسیون چهارم، «تصمیمات فاسد قضایی» است. رگرسیون چهارم برای تمام کشورها نشان می‌دهد که بهبود در هر دو متغیر «اجرای پیش‌بینی‌پذیر و استقلال قضایی» باعث کاهش فساد قضایی می‌شود. در مورد اجرای پیش‌بینی‌پذیر، این کاهش به میزان ۰/۲۲۷۲ واحد است. افزایش استقلال قضایی، محدودیت‌ها بر سیستم دادگاه را از بین می‌برد، و در نتیجه باعث کاهش فساد قضایی به میزان ۰/۴۰۲۸ واحد می‌شود.^{۵۵} کشورهای که قوانین جامع و مستحکمی در مبارزه با فساد اجرا می‌کنند، کاهش چشم‌گیری در سطح فساد دارند. این چارچوب‌های حقوقی مجموعه‌ای روشن و قابل اجرا از قواعد و مقررات فراهم می‌کنند که پیامدهای مشارکت در فعالیت‌های فاسد را مشخص می‌سازند. در چنین محیط‌هایی، خطر شناسایی و مجازات، به‌عنوان عامل بازدارنده‌ای قوی برای متخلفان بالقوه عمل می‌کند. علاوه بر این، این قوانین اغلب پایه‌ای را برای ایجاد نهادهای مستقل ضدفساد فراهم می‌کنند و به آن‌ها اختیار و منابع لازم برای تحقیق و پیگرد مؤثر پرونده‌های فساد را می‌دهند. وجود دستورهای قانونی روشن، تضمین می‌کند که این نهادها بدون دخالت یا تأثیرگذاری ناموجه بتوانند فعالیت کنند و بدین‌وسیله یکپارچگی و کارایی آن‌ها حفظ شود.

افزون بر آن، چارچوب‌های حقوقی قوی همکاری بین‌المللی در مبارزه با فساد را تسهیل می‌کنند و به کشورها امکان می‌دهند در موارد فراملی فساد همکاری داشته باشند و بهترین رویه‌ها را به اشتراک گذارند. کشورهایی مانند دانمارک و سنگاپور که به داشتن قوانین سخت‌گیرانه ضدفساد معروف هستند، همواره در رتبه‌های پایین شاخص‌های جهانی فساد قرار می‌گیرند، که بازتابی از موفقیت چارچوب‌های قانونی آن‌ها در مهار فساد است. این قوانین اغلب شامل مقرراتی برای حمایت از افشاگران نیز هستند و با تضمین امنیت و گمنامی آنان، گزارش‌دهی فعالیت‌های فاسد را تشویق می‌کنند.

همچنین، چارچوب‌های حقوقی قوی به افزایش اعتماد عمومی به نهادهای دولتی کمک می‌کنند، زیرا تعهدی روشن به شفافیت و پاسخگویی را نشان می‌دهند. این اعتماد برای تقویت فرهنگ درستکاری و جلوگیری از رفتارهای فاسد در تمامی سطوح حکومت و جامعه حیاتی است. ایجاد دادگاه‌های تخصصی ضدفساد برای رسیدگی سریع و عادلانه به پرونده‌های پیچیده فساد نیز یکی دیگر از ویژگی‌های چارچوب‌های مؤثر قانونی است. این دادگاه‌ها با تضمین عدالت سریع و بی‌طرفانه، به حفظ اعتماد عمومی به نظام حقوقی کمک می‌کنند.

در نهایت، اجرای قوانین جامع ضدفساد محیطی را ایجاد می‌کند که در آن احتمال وقوع فعالیت‌های فاسد کاهش می‌یابد و در صورت وقوع، شناسایی و مجازات آن‌ها محتمل‌تر است. این امر به ارتقای حکمرانی مطلوب و توسعه پایدار کمک می‌کند.^{۵۶} در مورد بخش خصوصی، تجربه‌ی بین‌المللی کشورها نشان داده است که مبارزه با فساد در این بخش از طریق گنجانیدن مسئولیت‌گیری برای اعمال فاسد در این حوزه در قوانین جزایی اجرا می‌شود. کشورهایی مانند دانمارک، آلمان، فرانسه، ایالات متحده آمریکا، نروژ، یونان و غیره از نخستین کشورهایی بودند که چنین اقدامی را انجام دادند. برای نمونه، سیاست ضدفساد پادشاهی دانمارک به‌درستی به‌عنوان سیاستی پیشرو شناخته می‌شود. جنبش بین‌المللی ضد فساد «شفافیت بین‌الملل» هر ساله شاخص ادراک فساد (CPI) را برای سال جاری منتشر می‌کند که می‌توان ثبات جایگاه دانمارک در این ارزیابی‌ها را مشاهده کرد؛ کشوری که همواره در میان رتبه‌های برتر از میان ۱۸۰ کشور جهان قرار دارد.^{۵۷}

⁵⁵ Fazlioglu, Berna. (2011). op. cit., 15-18.

⁵⁶ Yusuf Maolani, Dedeng. (2024). "Governance and Corruption: Evaluating AntiCorruption Policies and Their Effectiveness in Strengthening Institutional Integrity, International Journal of Science and Society", Volume 6, Issue 3, 2024, p 59-60.

⁵⁷ Gulnaz Sagandykova and Zhanat Imanbekov and Kuanysh Akhmetkaliyev. (2023). op. cit., p 5.

نتیجه‌گیری

کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه فساد، گامی مهم و تاریخی در جهت جهانی‌سازی مبارزه با فساد بوده و با ارائه چارچوبی جامع شامل پیشگیری، جرم‌انگاری، همکاری بین‌المللی و بازگرداندن دارایی‌ها، معیارهای جدیدی را در حقوق بین‌الملل ایجاد کرده است. از آنجا که علل فساد از کشوری به کشور دیگر متفاوت است و اقدامات پیشگیرانه، اجرایی و قضایی که در برخی کشورها مؤثر واقع می‌شود، ممکن است در سایر کشورها بی‌تأثیر باشد، به طور خلاصه، قوانینی که برای اجرای کنوانسیون مریدا وضع می‌شوند، باید بُعد توسعه‌ای کشورهای عضو را نیز در نظر بگیرند. وادار کردن کشورهای در حال توسعه به پذیرش استانداردهایی که کشورهای توسعه‌یافته در دوران توسعه خود ملزم به رعایت آن‌ها نبوده‌اند، می‌تواند نوعی ایجاد نابرابری تلقی شود. کشورها باید استانداردهایی را بپذیرند که با راهبرد توسعه‌ای آن‌ها همخوانی داشته باشد، و نباید صرفاً به دلیل هماهنگ‌سازی (هماهنگی بین‌المللی) از قواعدی تبعیت کنند که ممکن است با نیازها و شرایط واقعی آن‌ها همسو نباشد.

با این حال میزان اثرگذاری این کنوانسیون به شدت به اراده سیاسی کشورها، سازگاری نظام‌های حقوقی داخلی، و وجود مکانیسم‌های اجرایی کارآمد بستگی دارد. آنچه کنوانسیون مریدا می‌تواند انجام دهد، نه تنها پایه حقوقی بین‌المللی برای همکاری فراهم می‌کند، بلکه به‌عنوان یک ابزار سیاسی برای گفت‌وگو بین کشورها و بین دولت‌ها عمل می‌کند و بدین ترتیب مفاهیم پذیرفته‌شده جهانی درباره فساد و راه‌های مقابله با آن را در قالب یک چارچوب منسجم ارائه می‌دهد، و فرصتی برای غلبه بر تلاش‌های پراکنده و تکه‌تکه قبلی فراهم می‌کند. به طور خلاصه، اگرچه کنوانسیون مریدا چارچوب جامعی برای مبارزه با فساد ارائه می‌دهد، اما اثربخشی آن به شدت به تعهد و ظرفیت کشورها برای اجرای مفاد آن وابسته است.

در راستای کارآیی بیشتر کنوانسیون در کشورهای عضو برای مبارزه با فساد، هدف اصلی از اجرای آن را باید همان اثربخشی دانست، این برداشت از کنوانسیون، لازمه رویکرد میان‌رشته‌ای بوده و بایستی از مطالعات تجربی علوم دیگر، مانند اقتصاد رفتاری یا جامعه‌شناسی نیز بهره‌بریم. این رویکرد چندرشته‌ای شرایط خاص هر کشور را با تمرکز بر ابعاد فرهنگی هدف قرار می‌دهد. این رویکرد با قواعد تفسیر مندرج در کنوانسیون وین درباره حقوق معاهدات، به‌ویژه با تفسیر تکاملی، سازگار است.

البته باید توجه داشت که کنوانسیون مریدا یک طرح راهبردی برای ضد فساد نیست؛ بلکه صرفاً مجموعه‌ای از اقدامات مهم است که فاقد هرگونه اولویت‌بندی یا توالی‌بندی مشخص می‌باشد. ارزیابی‌ها و تلاش‌های اجرایی کنوانسیون ممکن است به‌عنوان یک فعالیت مستقل دیده شوند که صرفاً به دنبال انطباق حقوقی با یک توافق بین‌المللی است. وسیله‌ای برای دستیابی و حمایت از حکمرانی بهتر از طریق حفظ منابعی که برای کاهش فقر تخصیص یافته‌اند و سرمایه‌ای ارزشمند در مسیر توسعه به شمار می‌رود. تنوع روش‌های مبارزه با فساد، حاکی از آن است که دیدگاه اصلی در کنوانسیون، اثربخشی بوده است و روش‌های مذکور در کنوانسیون به‌عنوان الگو و راهنما در نظر گرفته شده‌اند. به‌عنوان نمونه کنوانسیون به فساد در بخش خصوصی - که اغلب در سایر اسناد بین‌المللی نادیده گرفته شده بود - نیز توجه نشان می‌دهد و آن را به‌عنوان بخشی از چالش‌های ساختاری مقابله با فساد در نظر می‌گیرد، و روش کیفی را برای مبارزه با فساد در این بخش پیش‌بینی می‌نماید.

نتایج مطالعات تجربی اثربخشی را تأیید می‌نماید، در یک مطالعه با چهار شاخص فساد، حکایت از موفقیت آمیز بودن اجرای کنوانسیون به معنی اثربخشی و کاهش فساد در کشورهای عضو در سال اجرای مکانسیم‌های کنوانسیون دارد.

فهرست منابع

الف) منابع پارسی

- براتی، امیرنظام و محمدحسین زارعی، غلامحسین مسعود. «بررسی تطبیقی نقش جامعه مدنی تخصصی در مبارزه با فساد در کشورهای ایران و کره جنوبی». فصلنامه حقوق اداری، سال هفتم، ۲۳ (تابستان ۱۳۹۹)، صص ۵۷-۸۴.
- رضوی فرد، بهزاد و حمیدرضا حسن پور. «ساز و کارهای بین المللی مبارزه با فساد، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران». سال یازدهم، ۴ (پاییز ۱۳۹۸)، ۶۱-۷۲.
- سپه سرا، حسین. «بررسی کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه فساد در چارچوب نظام بین الملل حقوق بشر». دانش ارزیابی، سال ششم، ۲۱ (پاییز ۱۳۹۳)، ۱۲۳-۱۴۶.
- مرجانی، مهدی، و سید باقر میرعباس. «پیشگیری غیرکیفری از جرایم اقتصادی در کنوانسیون مریدا». فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، ۴۴ (تابستان ۱۳۹۹)، ۳۷-۶۱.
- نظری نژاد، محمدرضا، و خشایار اسفندیاری فر. «بررسی تطبیقی کنوانسیون بین المللی مبارزه با فساد مالی و قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد». پژوهشنامه حقوق کیفری، سال هفتم، ۱۳ (بهار و تابستان ۱۳۹۵)، ۱۹۹-۲۱۵.

ب) منابع خارجی

Books

- Kreijen, Gerard. *State Failure, Sovereignty and Effectiveness: Legal Lessons from the Decolonization of Sub-Saharan Africa*. Leiden/Boston, Martinus Nijhoff Publishers, 2004.
- Lohaus, Mathis. *Towards a Global Consensus Against Corruption: International Agreements as Products of Diffusion and Signals of Commitment*. London and New York, Routledge, 2019.
- Rose, Cecily, and Michael Kubiciel, Oliver Landwehr. *The United Nations Convention Against Corruption, A Commentary*. OXFORD university press, 2019.

Articles

- Adams, Karin, and Frederike Diny, Sheenam Puri, Series editor Saul Mullard. "How to make the UN Convention against Corruption's Implementation Review Mechanism more effective". *Begen: U4 Anti-Corruption Resource Centre, Chr. Michelsen Institute*, 6 (2024). 1-20.
- Babu, Rajesh Ravindran. "The United Nations convention against corruption: A critical overview". *SSRN Electronic Journal [Preprint]*, (2006). 1-32. DOI:10.2139/ssrn.891898 available at: <https://doi.org/10.2139/ssrn.891898>
- Brunelle-Quraishi, Ophelie. "Assessing the Relevancy and Efficacy of the United Nations Convention against Corruption: A Comparative Analysis". *Notre Dame Journal of International & Comparative Law*, Vol. 2, Iss. 1(2011), 100-166. Available at: <http://scholarship.law.nd.edu/ndjicl/vol2/iss1/3>
- Daud, Yussuf Mohamed. "A Review of Effectiveness of Anti-Corruption Strategies and Institutions in Kenya". *African Journal of Commercial Studies*. Vol.4, No. 4(2024), 303-318. <https://doi.org/10.59413/ajocs/v4.i4.5>
- Fazlioglu, Berna, Supervisor: Guillem Riambau Armet. "Effectiveness of the anti-corruption policies: Empirical analysis of United Nations Convention Against Corruption". *Dipòsit Digital de la Universitat de Barcelona*, (2021), 1-53.
- Gulnaz Sagandykova and Zhanat Imanbekov and Kuanysh Akhmetkaliyev, "Modeling the Subject of a Corruption Offense in the Quasi-Public and Private Sectors", *Journal of Law and Sustainable Development*, v.11, 8(2023): 1-13, DOI: <https://doi.org/10.55908/sdgs.v11i8.1433>
- Hechler, Hannes. "UNCAC in a nutshell, A quick guide to the United Nations Convention against Corruption for embassy and donor agency staff". *U4 Anti-Corruption Resource Centre, U4 Brief September*, 6 (2010), 1-8.
- Jabr, Naseer Jassim. "The Extent of Compatibility Between National Mechanisms and International Mechanisms to Combat Corruption", *Indonesian Journal of Law and Justice Volume: 2, Number 3, (2025), Page: 1-17*. DOI: <https://doi.org/10.47134/ijlj.v2i3.3780>
- Maskun. "Combating Corruption based on international rules". *Indonesia Law Review*, V 4, 1 (2014), 55-66. DOI:10.15742/ilrev.v4n1.74
- Oualid, Derradji, and Kaabi Rabah, "Corruption and economic growth in north Africa and the Middle east: A cross-country analysis", *International Journal of Professional Business Review*, Vol. 9 No. 7 (2024): 6.
- Schlüter, Nils. "How to make international law more effective: The effectiveness of the United Nations convention against corruption", *Zhurnal VSHÉ po mezhdunarodnomu pravu (HSE University Journal of International law)*, Vol. 2, No. 2(2024). 72-94. <https://doi.org/10.17323/jil.2024.22264>
- UN guide for Anti-corruption polices. (2003). United Nations Office on Drugs and Crime.
- Webb, Philipp. "The United Nations convention against corruption global achievement or missed opportunity?". *Journal of International Economic Law* 8(1), (2005), 191-229. doi:10.1093/jielaw/jgi009

- Yusuf Maolani, Dedeng. "Governance and Corruption: Evaluating AntiCorruption Policies and Their Effectiveness in Strengthening Institutional Integrity, International Journal of Science and Society", Vol. 6, Issue 3, (2024). 54-70.
Sites

- <https://www.transparency.org/en/cpi/2024>

-Corruption and Economic Crime Branch 2023, ANNUAL REPORT A Year of Commitment, Action and Impact, UNODC United Nations Office on Drugs and Crime, p 27.

https://track.unodc.org/uploads/documents/corruption/CEB-Annual-Report/2023/2023_CEB_Annual_Report.pdf